



چالش نظام‌های سکولار در مواجهه با موج اسلام‌خواهی مردم آسیای مرکزی

به دلیل مسلمان بودن اغلب مردم آسیای مرکزی و عدم موفقیت نظام‌های سکولار متمایل به غرب حاکم بر این کشورها در اداره امور کشورشان، سران منطقه توجیهی برای ادامه حاکمیت بر مردم خود نداشته و سعی می‌کنند با اعمال سیاست‌های ضد اسلامی، موانعی را در مسیر اسلام‌خواهی مردم ایجاد کنند.

به دلیل مسلمان بودن اغلب مردم آسیای مرکزی و عدم موفقیت نظام‌های سکولار متمایل به غرب حاکم بر این کشورها در اداره امور کشورشان، سران منطقه توجیهی برای ادامه حاکمیت بر مردم خود نداشته و سعی می‌کنند با اعمال سیاست‌های ضد اسلامی، موانعی را در مسیر اسلام‌خواهی مردم ایجاد کنند.

به گزارش فارس، در کنار حزب نهضت اسلامی تاجیکستان به عنوان نمونه نسبتاً موفق احزاب اسلامی کشورهای پسا شوروی، در سایر کشورهای منطقه نیز احزابی وجود دارند که بدون داشتن نامی دینی، در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با رویکردی اسلامی دست به فعالیت زده و بدین گونه به چالش بزرگی در مقابل نظام‌های سکولار مبتنی بر فرهنگ غربی تبدیل شده‌اند. چندی پیش زمانی که اتحادیه مسلمانان قزاقستان از احزاب سیاسی این کشور خواست تا در انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری قزاقستان از نامزدی "مرادتیلی بیک‌اف" رئیس کمیته اسلامی حقوق بشر منطقه‌ای حمایت کنند، "یارمحمد ارتباس‌اف" مشاور رئیس جمهور قزاقستان این امر را برخلاف اصل جدایی دین از دولت دانست.

این نظریه مشاور رئیس جمهور قزاقستان بر مبنی اصول قانون اساسی این کشور است که بر سکولار بودن نظام دولتی و ممنوعیت فعالیت هر نوع احزاب سیاسی دینی تأکید کرده است.

اما کارشناسان معتقدند که معرفی نامزد کمیته اسلامی حقوق بشر منطقه‌ای و حمایت اتحادیه مسلمانان قزاقستان از نامزدی وی با قانون اساسی این کشور هیچ منافاتی ندارد زیرا اتحادیه مسلمانان قزاقستان حزبی سیاسی با رویکردی دینی نبوده و یک سازمان اجتماعی است که با سایر سازمان‌های موجود در این کشور هیچ تفاوتی نداشته و در چارچوب قانون، نامزد خود را جهت شرکت در انتخابات اعلام کرده است.

دیگر اینکه به باور تحلیلگران مسائل سیاسی و مذهبی آسیای مرکزی، با توجه به نقش روزافزون اسلام در امور سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه در آینده نه چندان دور، حضور احزاب اسلامی در صحنه سیاسی این کشورها گریز ناپذیر خواهد بود.

* مقابله با حزب نهضت اسلامی تاجیکستان نشانه آغاز روند تقابلی با حرکت‌های اسلامی

اما مقابله با تجربه موفق حزب نهضت اسلامی تاجیکستان که بیش از یک دهه گذشته برای تأمین ثبات، امنیت و همچنین حمایت از منافع ملی این کشور تلاش‌های زیادی داشته است، حکایت از آغاز دور جدیدی از مقابله با رشد اسلام‌گرایان در منطقه است. حال آنکه در برخورد با حزب نهضت اسلامی تاجیکستان چنین به نظر می‌رسد که تحت تأثیر منافع گروهی و همچنین فشارهای برخی از کشورهای همسایه و خارجی، نهادهایی در دوشنبه بدون توجه به پیامدهای احتمالی ایجاد محدودیت برای فعالیت حزب نهضت اسلامی تاجیکستان وارد سیاست‌های محدود کننده‌ای نسبت به گروه‌های اسلامی شده‌اند.

این در حالی است که طی روزهای گذشته نشریات چاپ دوشنبه به گونه‌ای هماهنگ به موضوع مصاحبه "بازار صابر" شاعر مشهور تاجیک مقیم آمریکا با هفته نامه "ملت" چاپ دوشنبه و حمایت وی از لزوم تعطیلی حزب نهضت اسلامی تاجیکستان، پرداخته‌اند. پیش از این نیز مقامات ارشد آستانه با اعلام کاندیداتوری یک عضو اتحادیه مسلمانان قزاقستان مخالفت کردند در حالی که به اعتقاد کارشناسان، حضور شخصیت‌های اسلامی در صحنه انتخابات هیچ منع قانونی نداشته و متن قانون اساسی نیز با آن مخالفتی نکرده است.

این در حالی است که چنین اقداماتی در سایر کشورهای آسیای مرکزی حاکی از احساس نگرانی دولتی‌های منطقه از رشد اسلام‌گرایی و گرایش مردم منطقه به سمت دولت‌ها و حکومت‌های دینی است که بطور محسوس، عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشورها را تحت تأثیر قرار داده است.

حتی در کشورهای آسیای مرکزی، احزاب کاملاً سکولار نیز با توجه به نقش و جایگاه اسلام در منطقه، با تأکید بر احترام به ارزش‌های دینی، به دنبال جلب حمایت مردم هستند که این موضوع به طور بسیار واضحی در انتخابات پارلمانی اخیر قرقیزستان مشاهده شد. این اقدامات تا جایی پیش رفته بود که رئیس یکی از احزاب دموکرات که هم اکنون یکی از کرسی‌های مهم مدیریتی در قرقیزستان را در اختیار دارد، در چارچوب رقابت‌های انتخاباتی، در دیدارهای خود با مردم اعلام کرده بود، بر هر فرد مسلمان قرقیزی واجب است که حداقل سوره فاتحه را حفظ کند.

در همین حال، برخی دیگر از رهبران احزاب سیاسی این کشور نیز در آستانه انتخابات پارلمانی برای جلب حمایت بیشتر مردم از خود، با حضور در نمازهای جمعه، خود را پایبند به انجام فرائض اسلامی نشان می‌دادند.

با توجه به فضای نسبتاً باز سیاسی قرقیزستان و روند رو به رشد اسلام‌خواهی در بین مردم و بخصوص جوانان این کشور، کارشناسان مسائل سیاسی و مذهبی منطقه احتمال می‌دهند که طی چند سال آینده حضور فعال احزاب سیاسی با گرایش اسلامی در صحنه

مبارزات سياسي اين کشور دور از انتظار نيست.

همين امر بسياري از دولتمداران کنوني کشورهاي منطقه را برانگيخته است که با سياست‌هاي پيشگيرانه و اقداماتي از قبيل محدود کردن حقوق مسلم و اوليه مسلمانان و بخصوص قشر نوجوان و جوان، با اعمالی از قبيل مسدود کردن مساجد، ممنوعيت پوشش اسلامي براي دختران و زنان دانش آموز و دانشجو، مقابله با جوانان و مردان داراي محاسن (ريش)، و توصيه به پرهيز از انتخاب نام‌هاي اسلامي براي فرزندان نوزاد و حتي ممنوع کردن تدريس معارف اسلامي در مدارس، راه را بر گسترش اسلام در منطقه مسدود کنند و به نظر مي‌رسد در اين عرصه تاجيکستان پس از ازبکستان، پيشگام‌تر از ديگر کشورهاي منطقه است.

* حکومت‌هاي سکولار زير چتر حمايتي غرب و آمريکا

بايد به اين نکته اذعان داشت که تعريف و اجراي نظام‌هاي مبتني بر فرهنگ غربي و حکمراني حکومت‌هاي سکولار در کشورهاي آسياي مرکزي، خواست مسلم غرب و آمريکا در اين مناطق بوده است و اين در حالي است که اکثر ساکنان کشورهاي آسياي مرکزي مسلمان بوده و نقش اسلام در زندگي آنان کاملاً مشهود است. و حتي به دليل مسلمان بودن اغلب مردمان اين مناطق و عدم موفقيت نظام‌هاي سکولار متمايل به غرب، رهبران کشورهاي آسياي مرکزي ديگر توجيهي براي حاکميت بر مردم خود نداشته و سعي مي‌کنند با اعمال سياست‌هاي پيشگيرانه سد راه حرکت اسلام خواهانه در اين کشورها شوند.

از سوي ديگر با توجه به مقطع حساسي که در آن قرار داريم، مردم مسلمان منطقه با درک غير بومي بودن نظام‌هاي سکولار که حاصل جدائي دين از سياست است، خواهان اجراي احکام اسلامي در تمام عرصه‌هاي زندگي فردي و اجتماعي خود شده‌اند. چنانچه دولت‌هاي منطقه قصد دارند با توجه به واقعيت‌هاي کشورهاي خود اقدامي انجام دهند، پس راه حل‌هاي مناسب را نيز بايد در داخل اين کشورها بجويند.

برخي از کارشناسان مسائل سياسي و اسلامي منطقه معتقدند که کشورهاي آسياي مرکزي با توجه به قرار داشتن در مرحله گذار و وابستگي‌هاي فراوانشان به قدرت‌ها و سازمان‌هاي بين‌المللي غربي، بايد ظرفيت در نظر گرفتن واقعيت‌هاي داخلي خود را نيز در اولويت‌هاي اصلي مد نظر داشته باشند.

به باور کارشناسان در اين حالت بايستي دين در تمامي شئون جامعه حوري ملموس داشته باشد و اين مبنا مورد لحاظ قرار گيرد که جدائي دين از جامعه غير ممکن است.

* اسلام مورد نظر نظام‌هاي سکولار پاسخگوي نيازهاي مردمی نيست

در حالي که تحولات سال‌هاي اخير کشورهاي آسياي مرکزي نشان مي‌دهد که در کنار حفظ و تداوم سنت‌هاي اسلامي، رشد اسلام به عنوان يك ايدئولوژي داراي نظام حقوقي، اقتصادي و اجتماعي، بيش از پيش در حال تبديل شدن به دستور زندگي فردي و اجتماعي براي مسلمانان منطقه است، در مقابل دولتمردان منطقه مي‌خواهند همانند دوران شوروي، اسلامي داشته باشند که تنها به اجراي بخش محدودی از امور ديني اکتفا کرده و در برابر هر نوع فعاليت سياسي بي طرف باشد.

در اين حالت بايستي توجه داشت که اين امر در گذشته کمونيستي منطقه امکان پذير بود، اما اکنون در شرايطي که نيازهاي جامعه مسلمان به اجراي امور ديني در حال افزايش است و اسلام مورد نظر دولت‌ها نمي‌تواند به اين نيازها پاسخ مناسبی بدهد، اصولاً اين سياست تحقق ناپذير خواهد بود.

بنابراين، قطع نظر از وجود موانع و محدوديت‌ها، سهم و نقش مسلمانان در عرصه‌هاي سياسي و اجتماعي برجسته تر از گذشته خواهد شد.

از سوي ديگر فروپاشي شوروي و گذشت 2 دهه از استقلال، کشورهاي آسياي مرکزي را به حدي متحول کرد که در اين منطقه که تا سال 1990 کمتر از 100 مسجد وجود داشت، امروز چند هزار مسجد در حال فعاليت هستند تا جايي که ظرفيت آنها براي پذيرش نمازگزاران در روزهاي جمعه کافي نيست.

نگاه کارشناسي به حوزه تعامل دولت‌هاي منطقه با دين، نشان مي‌دهد که مردم آسياي مرکزي در قياس با بسياري از مردم مناطق مختلف دنيا، داراي تحمل بيشتر در برابر سختي‌ها و محروميت‌هاي اقتصادي و اجتماعي هستند که بر گرفته از فرهنگ تحمل اسلامي است و اين خود در شرايط سنگين منطقه مهمترين کمک به حفظ و بقاي اين دولت‌ها است.

بايد به اين نکته توجه داشت که اين مردم چيز زيادي نمي‌خواهند و تنها خواستار آنند که قوانين نظام سکولار کشورهاي آسياي مرکزي، مانع اجراي امور ديني آنان نشود و با ارزش‌هاي اسلامي آنان در تناقض قرار نگیرد.

اما موقعي که از سوي دولت‌ها، ارزش‌هايي مانند مسجد، نماز، حجاب و تدريس مباني اسلام در منازل در معرض تهديد قرار داده مي‌شود، در اين حالت زمينه را براي واکنش‌هاي تند و گرايش جوانان به گروه‌هاي تندرو و افراطي مذهبي در مقابل دولت‌هاي منطقه را فراهم مي‌کند.

با توجه به اين بحث، چنانچه تلاش براي ممنوع کردن فعاليت حزب نهضت اسلامي تاجيکستان که امروز به موضوع داغ رسانه‌هاي داخلي و خارجي اين کشور تبديل شده است، دنبال شود، پس قطعا ميدان در اختيار احزاب و جريانات افراطي مذهبي قرار خواهد گرفت که از خارج مديريت شده و هر نوع گفت‌وگو و همکاري با دولت سکولار را قبول نخواهند داشت.

اما چون در آينده نزديک، تغيير نظام سکولار کشورهاي آسياي مرکزي قابل تصور نيست، برخي از کارشناسان مسائل منطقه بر اين

باورند که در این حالت بایستی با بهره‌گیری از تجربه برخی کشورهای اسلامی، بتوان در چارچوب نظام‌های سکولار موجود، حق فعالیت برای احزاب با ظاهر سکولار ولی با محتوای دینی را فراهم کرد. دولت‌های منطقه با حفظ شیوه عمل و ساختارهای دوران شوروی نظیر مفتیات و شورای علمای اسلامی، تلاش دارند با در دست گرفتن نبض جامعه مسلمان و وضع وابستگی کامل به دولت‌های سکولار، اعتماد مردم نسبت به نهادهای رسمی اسلامی را کاهش دهند.

* اسلام واقعی تنها مانع گرایش مردم به افراط‌گرایی مذهبی

این در حالی است که عدم شناخت صحیح از دین و محدود کردن فضا برای آشنایی دقیق و درست با اسلام، موجب گرایش بخشی از مردم به جریانات افراطی و تندرو مذهبی شده است.

حالا نهادهای انتظامی و امنیتی منطقه به طور عمده از راه توسل به زور، در مقابل چنین گروه‌هایی قرار گرفته و حتی بخشی از اعضای آنان را راهی زندان کرده‌اند، ولی باز هم نتوانسته‌اند نتایج مورد انتظار خود را بدست آورده و مانع گسترش نفوذ چنین گروه‌هایی شوند.

این در حالی است که دولتمردان از طریق مقابله با پدیده اسلام خواهی مردم، عمدتاً به فکر حفظ بقای خود بوده و نه تنها برای جامعه مسلمان هیچ برنامه جامع و بلندمدتی ندارند، بلکه برعکس اقداماتی در جهت تشدید فشار بر مسلمانان انجام می‌دهند که از جمله حذف درس "معارف اسلامی" از برنامه آموزشی مدارس تاجیکستان است که از سوی کارشناسان یکی از مهمترین اقدامات دولت این کشور در چند سال اخیر ارزیابی شده است.

اما در مقابل گروه‌ها و جریانات مذهبی تندرو و افراطی با برنامه‌های مشخص وارد منطقه می‌شوند که مهمترین هدف آنان در شرایط اسلام هراسی دولت‌ها و وجود میزان بالای بیکاری، فساد، نقض اصول و موازین دموکراسی، به چالش کشیدن وضع سیاسی و اجتماعی آسیای مرکزی است.

در این میان همانگونه که اشاره شد برخی از دولت‌های منطقه، ممنوع و یا محدود کردن حجاب، ممنوعیت گذاشتن ریش و منع جوانان زیر سن 18 سال از شرکت در نماز جماعت را، از جمله اقدامات در نظر گرفته شده برای جلوگیری از گرایش مردم به گروه‌های افراطی اعلام کرده‌اند که نگاهی بسیار سطحی و غیر منطقی به موضوع است.

این درحالی است که اسلام واقعی مهمترین ابزاری است که می‌تواند مانع گرایش مردم و بخصوص جوانان به گروه‌ها و جریانات افراط‌گرای مذهبی شود، ولی ساختارهای دینی وابسته به دولت‌های منطقه قادر به تهیه و تدوین راهکارهای موثر جهت ایجاد راهکاری برای ایجاد همکاری بین دولت و مردم بر مبنای اسلام واقعی به منظور مقابله با افراط‌گرایی نیست.

حتی در ازبکستان که بیشترین فشار بر روی گروه‌های اسلامی اعمال می‌شود و آزادی‌های مدنی، بسیار محدود هستند، باز هم نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که بیش از 70 درصد مردم مناطق مختلف این کشور، هویت اسلامی خود را بر تعلقات قومی ترجیح می‌دهند.

این در حالی است که تا چند سال پیش، تعلق قومی، الویت اول مردم این کشورها بود. ولی فشارها و محدودیت‌ها نه تنها فاصله مردم با اسلام را کاهش نداد، بلکه منجر به این شده است که مردم بیش از پیش به اسلام بعنوان ایدئولوژی عدالت محور نگاه می‌کنند.

عدم تشخیص دقیق شرایط دین خواهی کشورهای منطقه از سوی دولتمردان و فقدان برنامه‌های جامع و بلندمدت در این عرصه، موجب شده تا در برخی از این کشورها، جامعه مسلمانان بیش از پیش به ایدئولوژی و جریانات منحرف اسلامی تمایل پیدا کرده و به نظام سیاسی و اجتماعی آتی کشورهایشان نگاهی متفاوت داشته باشند که دورنمای این موضوع، مشکلات جدیدی را بر سر راه این دولت‌ها قرار خواهد داد.

در چنین شرایطی، پایبندی به سکولاریسم غربی در جوامع مسلمان منطقه، پاسخگوی نیازهای آنان نخواهد بود و بخصوص اینکه روز به روز ارزش‌های دموکراسی و لیبرالیسم غربی در منطقه بدنام‌تر شده و به سرعت جایگاه سابق خود را از دست می‌دهد.

همچنین با توجه به تحولات اخیر کشورهای خاورمیانه و عربی، به سود رهبران کشورهای آسیای مرکزی است تا با تفکر صحیح در خصوص چرایی آن، همه توان خود را به منظور تدوین برنامه‌ها و راهکارهای عادلانه و عادلانه با هدف جلب نظر مردم بسیج کنند تا هم بقای قدرتشان حفظ شود و هم نیازهای فطری مردم مرتفع شود.